

توسعه پایدار گردشگری و برنامه ریزی فضایی با استفاده از تمثیل هیدرا

پروانه پرچکانی^۱

چکیده

توسعه پایدار و برنامه‌ریزی فضایی به دلیل داشتن هدف مشترک، نوعی تلاقی فلسفی برای مفهوم برنامه‌ریزی به عنوان عمل سازماندهی زندگی آینده جوامع با مقررات و طراحی از روابط اجتماعی، اقتصادی در آینده و دقت در استفاده از فضای فیزیکی به منظور رسیدن انسان به رفاه بدون تخریب محیط محسوب می‌شوند. برنامه‌ریزی یک اصطلاح چندپوششی از مراحل مختلف تصمیم‌گیری‌های استراتژیک ملی برای برنامه‌های کاربردی و منحصر به فرد است. هدف از برنامه‌ریزی فضایی شناخت طرح‌های توسعه فضایی از جمله گردشگری در مراحل مختلف برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت استوار بر سه اصل اجرا، پایش و ارزیابی و مبتنی بر اصول پایداری، یکپارچگی و جامعیت می‌باشد (افتخاری، ۱۳۹۳). برنامه‌ریزی فضایی بر روی برنامه‌ریزی فیزیکی در بخش‌های مختلف از جمله گردشگری تمرکز دارد. فعالیت‌های گردشگری در یک مکان خاص شکل می‌گیرند و شخصیت فضایی پیدا می‌کنند و دارای روابط فضایی می‌شوند. تبیین جایگاه برنامه‌ریزی فضایی در توسعه پایدار گردشگری هدف اصلی این نوشتار است. در این مقاله برنامه‌ریزی فضایی به دلیل ماهیت پیچیده و چندوجهی و اهمیت هم وزن مسائل محیطی، فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن در گردشگری به هیدرا تشبیه شده است. هیدرا موجودی افسانه‌ای از الهه‌های یونانی است که دارای سرهای موازی و متعدد زیادی بوده و تا سر اصلی آن قطع نشود این موجود می‌تواند خود را بازسازی کند و وظیفه خود را که نگاهبانی رودخانه است را انجام دهد. با استناد به مفاهیم مذکور و با در نظر داشتن نقدهای وارده بر برنامه‌ریزی فضایی و گردشگری پایدار این مقاله تلاش دارد تا با ارائه مختصر تمثیل هیدرا جایگاه برنامه‌ریزی فضایی در توسعه پایدار گردشگری را مورد بررسی و مطالعه قرار دهد.

کلید واژگان: برنامه ریزی فضایی، توسعه پایدار گردشگری، هیدرا

مقدمه

در سال‌های اخیر تاکید زیادی در خصوص نیاز به برنامه‌ریزی و گسترش مرزهای آن شده است که هر دو از یک مفهوم و بر یک دیدگاه مبتنی بر عمل قرار می‌گیرند. برنامه‌ریزی به دلیل ماهیت پیچیده خود از تعاریف متعدد، گونه‌های مختلف و نظریه‌های گوناگونی برخوردار است که این نظریه‌ها گاهی در طول زمان مورد نقد واقع شده و یا با تکمیل آن نظریه جدید ظهور یافته است. آنچه مسلم است این‌که نظریه‌های برنامه‌ریزی همراستا و افقی محسوب می‌شوند و با وجود نقطه‌نظرات متعدد انقلاب‌علمی به مفهوم مورد نظر توماس کوهن در آن صورت نگرفته است (Ferreira, Sykes & Batey, 2009). ویژگی‌های خاص برنامه‌ریزی و ارتباط آن با علوم مختلف از قبیل جامعه‌شناسی، عمران، جغرافیا، معماری و... سبب شده استناد به نظریه واحدی در برنامه‌ریزی ممکن نباشد و در واقع خود نظریه‌ها نیز نیازمند برنامه‌ریزی باشند.

برنامه‌ریزی ابتدا از شرق و کشورهای کمونیستی آغاز شده ولی نخستین گام‌های توجیه‌گر و تبیین‌کننده انواع برنامه‌ریزی در دنیای سرمایه‌داری و مبتنی بر نظرات ماکس وبر و کارل مانهایم در زمینه عقلانیت و اداره جامعه برداشته شد (اجلالی، ۱۳۹۰). پس از جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵) خسارت‌های جبران‌ناپذیری به بنیان اقتصادی و تاسیسات کالبدی کشورهای درگیر جنگ وارد شد و پس از پایان جنگ تحولات عمده‌ای در زمینه برنامه‌ریزی به وجود آمد. در این دوره مفاهیم برنامه‌ریزی با دو جهت‌گیری اصلی «بازسازی مناطق آسیب دیده» و «به جریان افتادن سیستم اقتصادی» توسعه یافت و اندیشه‌های جدید در آن مطرح شد. حاصل جهت‌گیری نخست، پدیدار شدن برنامه‌ریزی شهری و روستایی و نتیجه جهت‌گیری دوم مطرح شدن اندیشه‌های نو و برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی بود (افتخاری، ۱۳۹۲). در برنامه‌ریزی فضایی گردشگری جنبه عملیاتی و کاربردی برنامه‌ریزی با در نظر داشتن رویکردهای مشارکتی جوامع مدنظر است. آنچه امروزه به عنوان نظریه برنامه‌ریزی شناخته می‌شود در واقع آن بخش از دانش است که به موضوعات اساسی مربوط به انواع برنامه‌ریزی‌ها می‌پردازد (اجلالی، ۱۳۹۰). در نظر گرفتن یک موضع واحد برای برنامه‌ریزان امری منفی است و نظریه‌ها در برنامه‌ریزی به عنوان یک ابزار موثر است ولی زمانی که نظریه نقش خط مشی ثابت را ایفا نماید، انعطاف پذیری لازم را نداشته و عملاً کارایی خود را از دست خواهد داد.

به طور خاص «احیای برنامه ریزی استراتژیک فضایی در ۱۹۹۰s و ۲۰۰۰s تاکید مجدد بر ابعاد استراتژیک و فضایی برنامه‌ریزی (هیلی، ۲۰۰۷؛ Salet و Faludi، ۲۰۰۰. استاندارد انجمن اروپا، ۱۹۹۹) بوده است. این تحول را می‌توان در رابطه با بحث‌های طولانی در مورد «روح و هدف از برنامه ریزی (Bruton، ۱۹۷۴)»، در ارتباط دانست. این امر با در نظر گرفتن مسائل مختلفی از جمله نقش نظارتی برنامه‌ریزی، ارتباط آن با مسائل فیزیکی، نقش برنامه‌ریزی در مدیریت گرایش‌های گردشگری، اجتماعی، زیست‌محیطی، اقتصادی و... مشخص می‌شود.

گستره موضوع مورد برنامه‌ریزی را مشخص می‌کند و به آن بار جغرافیایی می‌دهد، چرا که برنامه‌ریزی بدون در نظر گرفتن این محدوده عمل یا گستره جغرافیایی (بستری که موضوع معینی در آن تجلی و عینیت یابد)، فقط مقوله‌ای ذهنی است (محمودی، ۱۳۸۷). نظریه برنامه‌ریزی ملهم از تعاریف برنامه‌ریزی و سطح دانش برنامه‌ریزان و براساس نیازهای جوامع مختلف در طول زمان فراز

و نشیب‌های زیادی طی کرده است. آندره آس فالودی (۱۹۷۳) دو نوع نظریه موضوعی و فرآیندی را از هم تفکیک کرد. در نظریه موضوعی آن‌چه که برنامه‌ریزی برای آن انجام می‌گیرد، اهمیت دارد مانند کشاورزی، اقتصاد و... و در نظریه فرآیندی بدون توجه به موضوع به خود برنامه‌ریزی پرداخته می‌شود. این نظریه از دهه ۱۹۸۰ به شدت مورد انتقاد واقع شد و از این زمان شاهد ظهور نظریه‌های جدیدی در حوزه برنامه‌ریزی هستیم. نایجل تایلور (۱۹۸۰) نظریه‌های برنامه‌ریزی را به نظریه‌های فلسفی و جامعه‌شناسی تقسیم کرد و کوک (۱۹۸۳) نظریه‌های سه‌گانه «فرآیند توسعه»، «فرآیند برنامه‌ریزی» و «نظریه‌های حکومت» را مطرح نمود.

ایفتاشل در اواخر این دهه با ترکیب دو معیار، طبقه‌بندی جدیدی مبتنی بر مدل شش بعدی نظریه‌های برنامه‌ریزی ارائه نمود و پس از آن همواره دیدگاه‌های پسامدرنی در همه نظریه‌های برنامه‌ریزی حاکم شد. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ هدف از برنامه‌ریزی رسیدن به رویکرد «جامع» در مدیریت روند موجود، هدایت نیروهای کار و سیاست هماهنگی بین بخشی حاکم بود. رویکرد یکپارچه در استفاده از زمین و برنامه‌ریزی حمل و نقل شاخص‌ترین فرآیند عملیاتی برنامه‌ریزی در این زمان بوده است. نقدهای موجود در این حوزه منجر به ظهور برنامه‌ریزی فضایی به عنوان دربرگیرنده اقداماتی برای هماهنگ‌سازی تأثیرات فضایی سیاست‌های بخشی گردید تا بدین طریق مناطق از توزیع متعادل‌تر توسعه اقتصادی برخوردار شده و اثر نیروهای بازار کاهش یابد و تبدیلات کاربری‌های اراضی و دارایی‌ها بسامان شوند.

در بسیاری از اسنادسیاسی و مباحث رسمی، نقش مهم برنامه‌ریزی فضایی در روند دستیابی به پایداری زیست‌محیطی و اقتصادی مشهود است. نقش اساسی برنامه‌ریزی فضایی در توسعه پایدار و بهبود کیفیت زندگی توسط سازمان ملل متحد تاکید شده و برنامه‌ریزی فضایی «تحقق اهداف اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی با هدف تأمین منافع جامعه، توسعه، ترویج و استفاده آگاهانه از زمین و منابع طبیعی برای توسعه» آمده است. (سازمان ملل، ۲۰۰۸، ص ۱) برنامه‌ریزی فضایی با راهبرد گسترش گردشگری کوششی است برای رسیدن به بهترین الگوی فضایی در جهت توسعه منطقه‌ای که دستیابی به اهدافی را با توجه به یک نظام کلی از توسعه ملی مدنظر قرار می‌دهد (توسان، ۱۹۹۶). در برنامه‌ریزی فضایی نقدهایی مبتنی بر توجه زیاد به کالبد و عدم توجه به عوامل اجتماعی و فرهنگی (رضوانی، ۱۳۹۲) مطرح شده است و همچنین نقدهایی در حوزه توسعه پایدار گردشگری مبنی بر دور شدن گردشگری از موضوع اساسی توسعه پایدار و توجه به پایداری گردشگری و نه پایداری اجتماع یا محیط‌زیست گردشگری (Hunter، ۱۹۹۷) مطرح می‌باشد. از نظر برخی اندیشمندان، گردشگری پایدار هنوز مفهومی پیچیده و مبهم است و ممکن است از ارزش‌های عملی لازم برخوردار نباشد (Murphy، ۱۹۸۶) و برخی دیگر نیز گردشگری پایدار را به عنوان یک مفهوم ایده‌آل در نظر می‌گیرند که تنها برای مباحث فلسفی و اجتماعی مفید است (Robson، ۱۹۹۶). با در نظر داشتن نقدهای موجود و اهمیت روابط فضایی برای رسیدن به توسعه متوازن، حفاظت از محیط زیست و دستیابی به اهداف اجتماعی، اقتصادی گردشگری پایدار، در این مقاله جایگاه برنامه‌ریزی فضایی در توسعه پایدار گردشگری با تمثیل مفهومی هیدرا تحلیل می‌گردد.

توسعه پایدار، گردشگری و برنامه ریزی فضایی

استفاده از توسعه پایدار در گردشگری از دهه ۱۹۷۰ آغاز و در

از سوی دیگر در بسیاری از اسناد سیاسی و مباحث رسمی، نقش مهم برنامه‌ریزی فضایی در روند دستیابی به پایداری زیست‌محیطی و اقتصادی مشهود است. می‌توان گفت که ترکیب برنامه‌ریزی فضایی و گردشگری به توسعه پایدار گردشگری می‌انجامد. (شکل شماره ۱) نقش اساسی برنامه‌ریزی فضایی در توسعه پایدار و بهبود کیفیت زندگی توسط سازمان ملل متحد تاکید شده و برنامه‌ریزی فضایی «تحقق اهداف اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی با هدف تأمین منافع جامعه، توسعه، ترویج و استفاده آگاهانه از زمین و منابع طبیعی برای توسعه» (۲۰۰۸، ص ۱) تعریف شده است.



شکل شماره ۱- ترکیب برنامه‌ریزی فضایی و گردشگری

در اتحادیه اروپا، نظرات زیادی برای توصیف فعالیت‌های برنامه‌ریزی فضایی در کشورهای عضو کمیسیون اروپا، وجود دارد. خلاصه‌ای از سیستم‌های فضایی برنامه‌ریزی و سیاست در «اتحادیه اروپا» توسط کمیسیون اروپا در سال ۱۹۹۷ به طور کامل منتشر شده است (۱۹۹۷؛ سازمان ملل، ۲۰۰۸). این سند برنامه‌ریزی فضایی را به سادگی تعریف می‌کند: «روش‌های پذیرفته شده توسط مردم برای تاثیرگذاری در آینده توزیع فعالیت در فضا» (کمیسیون اروپا، سال ۱۹۹۷، ص ۲۳) بنابراین گردشگری به لحاظ ماهیت در پیوندی دیرین و ناگسسته با ابعاد و عناصر مکانی- فضایی قرار می‌گیرد (تقوایی، غفاری، ۱۳۹۲). گردشگری پایدار نیز از اواخر دهه هشتاد میلادی و به دنبال واکنش به گزارش برانتلند در ارتباط با توسعه پایدار در سال ۱۹۸۷ متداول شد و به آن دسته از فعالیت‌های گردشگری اطلاق می‌شود که ضمن رفع نیاز امروز گردشگران نیاز گردشگران آینده را نیز محافظت می‌کند (سازمان جهانی گردشگری، ۱۹۸۸). گردشگری پایدار با مسائل اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی روابط متقابل و تنگاتنگی دارد و برنامه‌ریزی فضایی نیز استفاده از زمین و روابط فضایی برای رسیدن به توسعه متوازن، حفاظت از محیط زیست و دستیابی به اهداف اجتماعی و اقتصادی است.

برنامه‌ریزی فضایی با اعمال مدیریت اندیشیده شده در کاربری اراضی و برقراری پیوند بین آن‌ها به دنبال ایجاد توازن بین تقاضای توسعه، حفظ محیط زیست و دستیابی به اهداف اقتصادی و اجتماعی است و به روش‌هایی اشاره دارد که به صورت گسترده توسط بخش‌های دولتی برای نظارت و تاثیرگذاری بر پراکنش فعالیت‌های آبی در فضا استفاده می‌شود و با اعمال مدیریت آگاهانه بین ابعاد مختلف به دنبال ایجاد توازن بین تقاضاهای توسعه و حفظ محیط زیست و دستیابی به اهداف اقتصادی و اجتماعی است. برنامه‌ریزان نیازمند دانش فلسفی و فنی درباره موضوعات مختلف هستند و برنامه‌ریزی به عنوان فعالیتی کلی فراهم آوردن و ساختن سلسله‌ای

اواخر دهه ۱۹۸۰ با انجام مطالعات متعدد و مهم در این حوزه به صورت گسترده‌ای متداول گردید. نقطه عطف تاریخ نگرش رسمی انسان به منابع طبیعی و سیستم‌های بهره‌برداری از زمین در پی صدور اعلامیه استکهلم (۱۹۷۲) اتفاق افتاد. اعلامیه مزبور به همراه اعلامیه اکوکویک (۱۹۷۴) با تایید پیچیدگی و جدی بودن بحران‌های اجتماعی و زیست‌محیطی که جامعه انسانی با آن روبه‌رو است، نویدبخش پیامدهای مثبتی نیز شدند چون همگی نیاز به تدوین و اجرای استراتژی‌های سالم زیست‌محیطی به منظور ترویج توسعه اجتماعی و اقتصادی یا توسعه زیست محیطی عادلانه‌تر را مطرح می‌کنند. پس از کنفرانس ریو در سال ۱۹۹۲، «دستورکار ۲۱» به عنوان یک برنامه اقدام جهانی برای حفظ تعادل بین محیط زیست و توسعه پایدار (UNDP، ۲۰۱۲) اعلام شد و تبدیل به یکی از معروف‌ترین اسناد پایداری بین‌المللی سازمان ملل متحد گردید. در گردشگری نخستین سند نگرانی‌های زیست‌محیطی اعلامیه مانیل از سازمان جهانی گردشگری ملل متحد (UNWTO) در سال ۱۹۸۰ به تصویب رسید. مفهوم توسعه‌ی پایدار نخستین بار توسط اتحادیه حفاظت جهانی در سال ۱۹۸۰ منتشر شد که تا زمان گزارش برانتلند (هفت سال بعد) این اصطلاح عمومیت نیافت. مفهوم توسعه پایدار به شیوه‌های گوناگون در قالب مفاهیم متنوعی چون بیان چشم‌انداز و آرمان (Lee، ۱۹۹۲)، تبادل ارزش‌ها (Clarck، ۱۹۶۹)، توسعه اخلاقی (Rolstone، ۱۹۹۴)، باز سازماندهی اجتماعی (Gore، ۱۹۹۲)، یا فرآیند تحول به سمت آینده بهتر (Viederman، ۱۹۹۴) به کار رفته است (رضوانی، ۱۳۹۰).

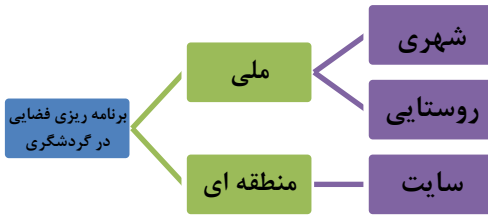
توسعه پایدار همانند بسیاری از بخش‌های دیگر برنامه‌ریزی فضایی در مسیر رسیدن به گردشگری پایدار یک ابزار مهم تلقی می‌شود. بحث‌های مربوط به پایداری نقش بسیار مهمی در تجدید ساختار بخش گردشگری در سراسر جهان ایفا کرده است. توسعه پایدار یک آرمان با چندین رهنمود اصلی است که در پی دستیابی به زیست‌مندی شرافتمندانه، حق توسعه‌یافتگی، مهندسی جغرافیایی مدیریت تعامل بین انسان و محیط و فعالیت در فضاهای زیست می‌باشد (افتخاری: ۱۳۹۳). برای رواج ایده توسعه پایدار که در حال حاضر به پارادیم غالبی تبدیل شده است فعالیت‌های متعدد علمی انجام گرفته است. سواربروک (۲۰۰۰) آثار متعدد و مهمی که در گسترش ایده توسعه پایدار سهیم بوده اند را معرفی می‌کند.

رابطه بین توسعه پایدار و گردشگری به عنوان یک بخش مصرف منابع طبیعی در آغاز سال ۱۹۹۰ شناخته شد. به عنوان مثال، در اروپا، به نقش صنعت گردشگری در توسعه پایدار (Csaban و Gathy، ۲۰۰۹) در برنامه پنجم منتشر شده از اتحادیه اروپا (EU) در سال ۱۹۹۳ تاکید شد. در سال ۱۹۹۶، «دستورکار ۲۱» یا «سند ۲۱» برنامه برای صنعت سفر و گردشگری: به سوی توسعه پایدار محیط زیست به عنوان اثرات منتج از سه سازمان بین‌المللی منتشر شد (AGORA ۲۱؛ ۲۰۱۲). با توجه به پیشرفت مهمی که در روند توسعه گردشگری پایدار توسط سازمان‌های بین‌المللی شکل گرفت به نظر می‌رسد که پایداری به عنوان یک مفهوم توسعه توسط مقامات محلی و منطقه‌ای، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان مورد استقبال قرار گرفته و در گردشگری به یک اصل تبدیل شده است.

برخی از این آثار عبارتند از: گردشگری: یک رویکرد اجتماع محلی ۱ مورفی، ۱۹۸۵، «گردشگری: پیامدهای اقتصادی و اجتماعی» (ماتیسون و وال، ۱۹۸۲)، «گردشگری: خوب، بد و بد ترکیب» (دوسنو و پاسایر، ۱۹۷۹) شورای جهانی مسافرت و گردشگری، سازمان جهانی گردشگری و شورای ۲ زمین

خود را داشته و در راستای توسعه پایدار حرکت کند. هر چند، همه کشورها باید سیستم های برنامه ریزی خاص خود را داشته باشند ولی به طور کلی، برنامه ریزی فضایی با رهیافت توسعه پایدار گردشگری را می توان به انواع زیر دسته بندی کرد:

- برنامه ریزی ملی
- برنامه ریزی منطقه ای
- برنامه ریزی شهری
- برنامه ریزی روستایی
- برنامه ریزی سایت



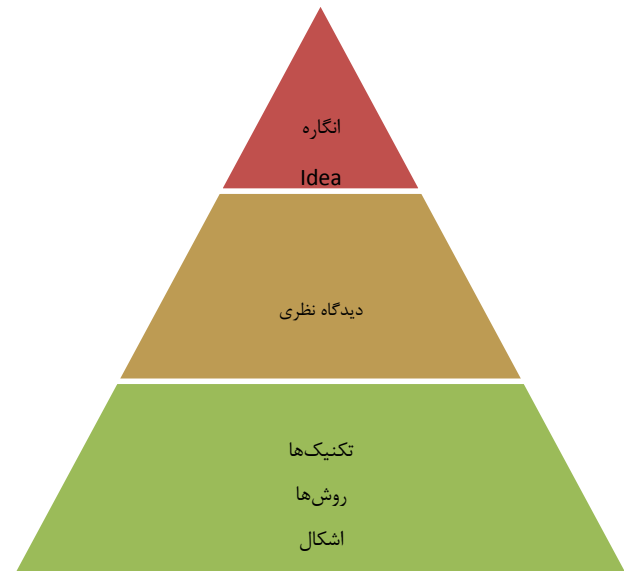
طراحی و حتی طراحی معماری ساختمان های پیچیده و یا یک ساختمان منحصر به فرد نیز می تواند در دسته بندی های برنامه ریزی فضایی گنجانده شود. طرح های ملی در بالای این دسته بندی رویکرد برنامه ریزی از بالا به پایین دارند و سطوح ملی و منطقه ای بیش تر به سطح سیاست گذاری باز می گردند و این در حالی است که برنامه ریزی شهری، طراحی شهری، برنامه ریزی روستایی، طراحی روستایی و... با فضا و مسائل فضایی مرتبط تر بوده و در توسعه مقصد گردشگری بیش تر مورد استفاده قرار می گیرند و در این بخش برنامه ریزی فضایی نقش قابل توجهی ایفا می کند.

همان گونه که گردشگری به عنوان یک فعالیت پیچیده، بخش های مختلف اقتصادی را در برمی گیرد و فرآیندی پویا برای تعاملات اجتماعی عنوان شده، در صورت عدم تلاش برای برنامه ریزی در این حوزه تاثیرات غیرمنتظره و نامطلوبی بخش های مختلف را دربر خواهد گرفت و برنامه ریزی اولیه را با شکست مواجه خواهد نمود. شبکه ها، سطوح و بخش های متعددی در فضای گردشگری یک شهر، یک روستا، یک منطقه یا یک سایت وجود دارد که در برنامه ریزی فضایی در نظر گرفته می شود و برای نتیجه بخش بودن باید آن ها را سطح بندی نمود. به طور کلی برنامه ریزی فضایی برای توسعه پایدار گردشگری در تمامی انواع آن را می توان در پنج سطح با معیارهای مختلف به شرح زیر دسته بندی نمود. (شکل ۳)



شکل ۳- سطح بندی برنامه ریزی فضایی گردشگری

منظم از اقدامات است که به تحقق اهداف بیان شده می انجامد (هال، ۱۹۹۲). در رابطه متقابل برنامه ریزی فضایی و توسعه پایدار گردشگری وجود یک دیدگاه معین مانند اعتقاد به توسعه پایدار گردشگری در ترکیب با مجموعه ای از تکنیک ها و روش ها بر پایه یک نظم مشخص در فضایی معین تصمیم گیری در خصوص انجام امور را تسهیل می کند (شکل ۲).



منبع: A.Ferreira, O.Sykes&P.Batey:Planning Theory or Planning Theories? Journal for Education in the built Envir ۲۰۰۹ December, Issue ۲, ۴. onment, Vol

شکل ۲. نمایانگر دیدگاه غالب نظری و مجموعه ای از تکنیک ها، روش ها و اطلاعات بر پایه یک نظم مشخص است که تصمیم گیری افراد در مورد انتخاب ایده ها و آن چه که باید انجام دهند را ساده می کند.

در راستای پیچیدگی و غیرقابل تعریف بودن برنامه ریزی استفاده از واژه برنامه ریزی فضایی از ۱۹۶۰ به این سو افزایش یافت. فعالیت های گردشگری نمی توانند جدای از محیط طبیعی و فرهنگی آن ها اتفاق بیفتند و «محیط زیست» و «فرهنگ» مرکز اصلی توسعه صنعت گردشگری است و بین آن ها یک رابطه متقابل وجود دارد. گردشگری روی محیطی زیست اثر می گذارد و محیط زیست همراه با سایر عوامل روی گردشگری اثر می گذارد به طور مثال تاسیسات متراکم گردشگری منجر به تخریب محیط زیست می شود و این امر منجر به کاهش جذابیت های گردشگری می گردد.

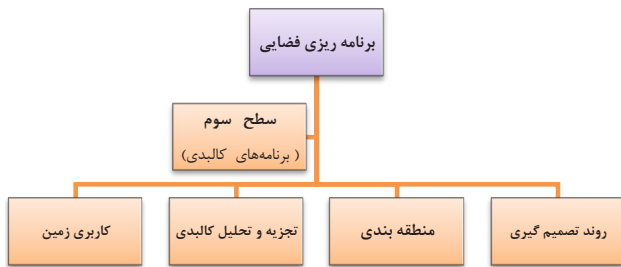
تداوم عناصر زیست محیطی و فرهنگی برای حفظ فعالیت های گردشگری در یک قسمت بسیار مهم است. با این حال، محیط زیست به طور فزاینده ای تهدید شده و مشکلات جهانی این بخش از ۴۰ سال گذشته نیز بدتر شده و از همین روی موضوع توسعه پایدار به طور کلی و در گردشگری به طور خاص به عنوان نخستین بحث رسمی و آگاهانه در سطح بین المللی مطرح شده است. گردشگری بخش مولد درآمد اولیه برای مناطق بسیاری است. برنامه ریزی فضایی یک ابزار سازماندهی فعالیت های گردشگری به منظور تسهیل یکپارچه سازی این بخش با دیگر بخش ها و مناطق در یک محل یا منطقه به شمار می آید و در واقع یک کنش مهم با تاکید بر حرکات، در نظر داشتن شبکه ها، نقاط، سلسله مراتب، سطوح، تحول و بخش است که برآیند آن ها ساخت فضایی برای رسیدن به پایداری در گردشگری است. شیوه عمل و اجرای برنامه ریزی فضایی باید با توجه به تفاوت های جغرافیایی و عوامل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی متفاوت باشد و در واقع هر منطقه برنامه ریزی فضایی خاص

تصمیم گیرندگان به یک عامل بسیار مهم در موفقیت توسعه پایدار گردشگری تبدیل شده است.

سطح سه - برنامه ریزی کالبدی

این سطح به طور کامل به برنامه ریزی کالبدی مربوط است و در آن برنامه‌های توسعه و ساخت و ساز در نظر گرفته می‌شود. تصمیم‌گیری در این مرحله استفاده از زمین، حمل و نقل، مسکن، انتخاب فعالیت‌های گردشگری، ورودی‌های انرژی و انتخاب مکان و امکانات توریستی تشکیل شده است. عواملی مانند تجزیه و تحلیل کالبدی، منطقه‌بندی، الگوی تصرف زمین و روند تصمیم‌گیری در این مرحله پشتیبانی می‌شوند. در این مرحله، معیارهای پایداری عبارتند از:

- ایجاد زیرساخت‌های مناسب
- اطمینان از حمل و نقل عمومی
- به حداقل رساندن آلودگی صوتی
- حفاظت از دارایی‌های فرهنگی و طبیعی
- استفاده از بازیافت و فن آوری استفاده مجدد
- به حداقل رساندن آلودگی، ایجاد فضاهای عمومی و فضای باز
- ساخت امکانات بهداشتی
- بهبود شرایط زندگی
- حصول اطمینان از رضایت همه ذینفعان
- انرژی و صرفه جویی در آب، کیفیت خدمات
- تعامل با شهرک‌های مجاور و مشابه



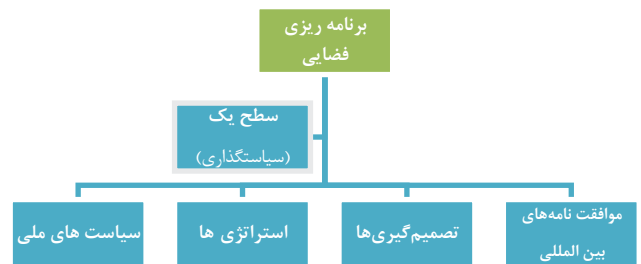
سطح چهارم - طراحی فضا

طراحی فضای گردشگری در برنامه ریزی فضایی گردشگری سطح چهارم را تشکیل می‌دهد. تصمیم‌گیری در چشم‌انداز، میراث فرهنگی، فضاهای عمومی و طراحی حمل و نقل محلی در این مرحله مهم است. این مرحله به طراحی فضای می‌پردازد و بسته به نوع محیط گردشگری با رعایت سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های توسعه پایدار اقدام به طراحی کلی فضای مورد نظر می‌نماید. معیارهای پایداری و اصول زیست محیطی در این سطح عبارتند از:

- استفاده از مواد مناسب ساخت و ساز و سازگار با محیط
- بهره‌وری انرژی
- بازیافت
- به حداقل رساندن سر و صدا
- جمع‌آوری زباله
- حفظ آرامش و هماهنگی با طبیعت
- صرفه‌جویی در آب
- کیفیت محیط زیست
- اقتباس از سبک‌های طراحی محلی
- سیستم گردش خون مناسب و توانایی راه رفتن
- سیستم حمل و نقل محلی

سطح یک - سیاست‌گذاری

در سطح اول به طور کلی سیاست به جای برنامه‌ریزی فیزیکی است. سیاست‌های ملی، استراتژی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مربوط به بخش گردشگری در سطح اول مورد توجه قرار می‌گیرد. در این بخش سیاست‌گذاران چهار فرآیند اصلی: هدف‌گزینی، مسأله‌شناسی، تعیین چارچوب برنامه‌ریزی و معیارهای معرفی سیستم‌های جایگزین را برعهده دارند. به طور کلی می‌توان گفت سطح یک و سیاست‌گذاری با «برنامه ریزی گردشگری» هر کشوری ارتباط دارد و به نوعی عمومی محسوب می‌شود. هر سیاست‌گذاری دو سطح تئوریک و تجربی دارد (افتخاری: ۱۳۹۳)



سطح دو - برنامه ریزی محیطی

سطح دوم برنامه‌ریزی فضایی، به برنامه‌های محیط زیستی در انواع مختلف می‌پردازد. محیط گردشگری اعم از شهری، روستایی، منطقه‌ای یا سایت دارای ویژگی‌های محیطی منحصر به خود است که نیاز به برنامه‌ریزی دارد. در این مرحله، روابط اقتصادی منطقه‌ای برجسته بوده و فرصت‌های شغلی و وضعیت بخش‌های مختلف دغدغه‌های اساسی اقتصادی می‌باشند. علاوه بر این، تصمیم‌گیری در خصوص دارایی‌های طبیعی و فرهنگی این منطقه در این مرحله ساخته شده و معیارهای پایداری در این سطح مشخص می‌شوند. در این رابطه، تعریف ظرفیت پذیرش منطقه‌ای یک عامل بسیار حیاتی است. معیارهای پایداری سطح دو عبارتند از:

- ارزیابی پایداری
- حفاظت از میراث طبیعی و فرهنگی
- بهبود حمل و نقل
- منابع صرفه جویی شده توسط استفاده مجدد و بازیافت
- حفاظت از مناطق کشاورزی
- کیفیت خدمات
- رضایت ذینفعان گردشگری
- بهبود اقتصاد و فرصت‌های محلی اشتغال
- عرضه و ارائه آب
- دفع زباله

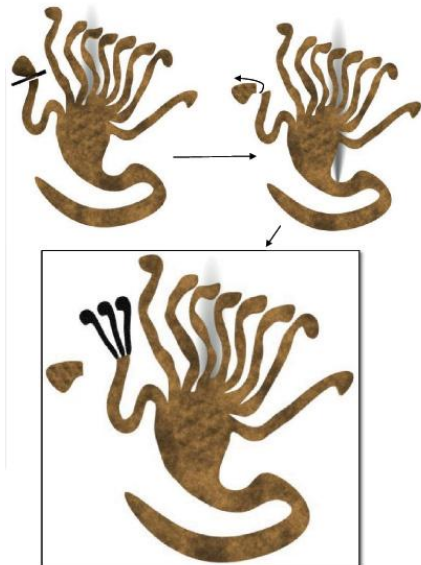
اجرای استانداردهای مربوط به زیرساخت‌های فیزیکی در سطح مذکور مشکلات و درگیری‌های مربوط به مجوز و تصویب برنامه باید حل شود. از آنجایی که مردم محلی انتظار دارند که از گردشگری بهره‌مند شوند، این امر می‌تواند برای مقامات محلی به عنوان تصمیم‌گیرندگان و حامیان برنامه مناسب باشد. در همین حال، به منظور جلوگیری از رشد قیمت‌ها در بازار مسکن و کنترل توسط برخی از مردم محلی و مشارکت آن‌ها در روند برنامه‌سودمند خواهد بود. برای اجرای این تصمیم و موفقیت برنامه‌ریزی مشارکتی، به جای برنامه‌ریزی حمایتی، اطلاع‌رسانی عمومی حیاتی است تا از فرآیند برنامه ریزی مشارکتی اطمینان حاصل شود زیرا گردشگری یک فرآیند تعاملی و پویا است و با نظر مردم محلی و همچنین

می‌طلبد که البته همه‌ی آن‌ها بایستی با رهیافت توسعه پایدار بوده و با در نظر داشتن رویکرد اصلی برنامه‌ریزی بر روابط فضایی در گردشگری تاکید داشته باشند. برنامه‌ریزی فضایی گردشگری به دلیل ماهیت پیچیده و چندوجهی آن و اهمیت هم‌وزن مسائل محیطی، فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در این‌جا به هیدرا تشبیه می‌شود. هیدرا نماد تکثیر بی پایان است که با قطع هر یک از سرشاخه‌های آن تا رویش مجدد عملکرد اصلی آن دچار اختلال می‌شود.

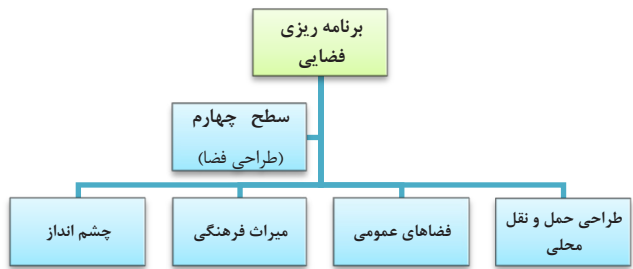
هیدرا یا هایدرا (Hydra) به معنی مارآبی لرنا، موجودی افسانه‌ای نیمه مار و نیمه پری با سرهای موازی و متعدد بسیار است که در اساطیر یونانی در مردابی نزدیک به شهر باستانی لرنا در آرگوس می‌زیست. در زیر این آب‌ها ورودی به جهان زیرین وجود داشت و هیدرا نگهبان آن بود. هیدرا دارای بدنی شبیه به مار و سرهای فراوان بود (تعداد سرهای او از پنج تا صدمتغیر هستند اما عموماً تعداد نه سر برای او پذیرفته شده)، وقتی یک سر هیدرا بریده می‌شد، سری جدید به جای آن می‌روید (در بعضی از داستان‌ها دو سر جدید رویداده می‌شد) و سر قطع شده نیز مجبور به تکثیر بود. یکی از سرهای هیدرا جاودانه بود و با هیچ سلاحی آسیب نمی‌دید. در واقع هیدرا یک نمایش اغراق آمیز از هشت پای است که دارای هشت بازو می‌باشد و یا ماهی مرکب گول پیکر با اندام مکنده است که حافظ رودخانه و ورودی جهان زیرین بوده و هر یک از سرهای او که قطع می‌شود در طول زمان رشد می‌کرده و با قطع یک سرگاهی چندین سر دیگر به جای آن می‌روید (شکل شماره ۳).



شکل شماره ۳- تصویری از هیدرا موجود افسانه‌ای یونان



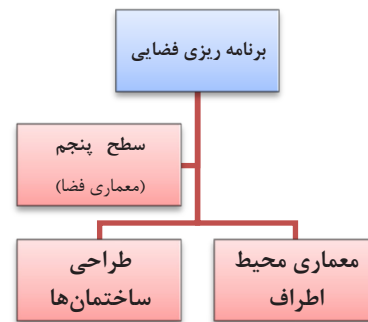
شکل شماره ۴- فرآیند عملکرد هیدرا- منبع: محقق



سطح پنجم - معماری فضا

سطح پنجم از برنامه‌ریزی فضایی گردشگری به معماری فضا اختصاص دارد. این سطح شامل معماری ساختمان‌ها و محیط اطراف در هر یک از انواع دسته بندی‌های برنامه‌ریزی فضایی است. در این مرحله هدف، ارائه راه‌حل‌های معماری مناسب است که با امکانات و پتانسیل‌های مناطق گوناگون، حفظ طبیعت محلی سازگار بوده و همراه با معیارهایی از اصول پایداری است. معیارهای پایداری در این مرحله عبارتند از:

- اصول طراحی پایدار با استفاده از مواد ساخت و ساز محلی
- تناسب زیست محیطی اشکال
- سازه و مواد
- سرزندگی
- راحتی
- بهره‌وری انرژی برای ساختمان‌ها
- زیبایی‌شناسی
- حفاظت از ارزش‌های فرهنگی



موفقیت سطوح مختلفی که برای برنامه‌ریزی فضایی گردشگری طراحی شد و اقدامات هر سطح به باید‌های بسیار از جمله جنبه‌های قانونی قابل بهره‌برداری از سطوح یاد شده بستگی دارد. الزامات قانونی و پیچیدگی‌های برنامه‌ریزی فضایی و نیاز به توجه همزمان به مسائل محیطی، اقتصادی و اجتماعی در مسیر توسعه پایدار گردشگری نیاز به آگاهی از فرآیندها و ابزارها را دوچندان می‌کند. برنامه‌ریزی فرآیندی آگاهانه است، یعنی قبل از این که اقدامی صورت گیرد، تصمیم گرفته می‌شود که این فعالیت چگونه، در چه زمانی و با چه ابزار و منابعی انجام گیرد. از این رو برنامه‌ریزی تصویری از سیاست‌ها، ابزار و روش‌های مناسب برای رسیدن به اهداف را نشان می‌دهد. (سعیدنیا، ۱۳۷۸ و سیف‌الدینی، ۱۳۸۱). در برنامه‌ریزی فضایی برای توسعه پایدار گردشگری باید با سیاست‌گذاری مناسب و ابزار و روش‌های معین در هر یک از دسته بندی‌ها ورود یافت.

تمثيل هیدرا در برنامه ریزی فضایی گردشگری

مکان‌های گردشگری موضوع اصلی برنامه‌ریزی فضایی در گردشگری پایدار را تشکیل می‌دهند و بالطبع قرار گرفتن این مکان‌ها در روستا، شهر و... برنامه‌های متفاوتی بسته به شرایط مکانی و جغرافیای آن‌ها

و تبادل نظر در حوزه برنامه‌ریزی فضایی گردشگری گردد. برای تحقق توسعه پایدار گردشگری علاوه بر سطوح پنجگانه یاد شده نظام‌های سازمانی سازمان یافته و کافی مورد نیاز است و روشن شدن نقش ذینفعان مختلف نیز اهمیت زیادی دارد. مقامات مرکزی، مقامات محلی، مؤسسات و نهادهای مختلف بخشی و ذینفعان از جمله سازمان‌های غیردولتی، کارآفرینان، مردم محلی و نمایندگان آن‌ها نقش‌های مختلفی در فرآیند برنامه‌ریزی فضایی برای توسعه پایدار بخش گردشگری ایفا می‌کنند که در این تمثیل در قسمت سرشاخه‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در ابعاد اجتماعی هر سر هیدرا می‌تواند نشان‌دهنده گروه‌های مختلف مردم، سازمان‌های مختلف، جنبش‌های اجتماعی، روابط قدرت و به طور کلی فضای زیست باشد ولی باید توجه داشت که در تعیین سر ویژه هیدرا در برنامه‌ریزی فضایی باید دقت کافی صورت بگیرد تا به فرهنگ، فضا، زبان و... آسیب وارد نشود و به عبارتی توجه به یک حوزه خاص برنامه‌ریز را از حوزه‌های دیگر غافل نکند. شیوه عمل و اجرای برنامه‌ریزی فضایی در توسعه پایدار گردشگری باید با در نظر داشتن نظریه‌های گوناگون در برنامه‌ریزی، توجه به تفاوت‌های جغرافیایی، عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، میزبانان، گردشگران، فضاهای زیست، فضاهای گردشگری، ذینفعان و... متفاوت باشد و در واقع هر منطقه برنامه‌ریزی فضایی گردشگری خاص خود را داشته باشد و سرهای هیدرا باید با توجه به فضا و میزان مشارکت مردم با هدف نیل به بهبود عملکرد گردشگری در راستای توسعه پایدار تعیین شود.

جمع بندی و نتیجه گیری

برنامه‌ریزی فضایی، نوعی تلاقی فلسفی بین توسعه پایدار و برنامه‌ریزی به منظور سازماندهی آینده زندگی جوامع با مقررات و طراحی روابط اجتماعی، اقتصادی آینده و دقت در کاربری زمین محسوب می‌شود که اشتراکات زیادی با توسعه پایدار گردشگری دارد. توسعه پایدار به عنوان یک هدف جهانی در ۱۹۸۷ توسط WCED مطرح شد و نیاز همه صنایع را به توسعه اقدامات و اصول بر پایه اصول توسعه پایدار مطرح کرد و گردشگری نیز برای موفقیت خود باید توسعه پایدار را در نظر بگیرد (مورفی، ۱۹۸۵). برای برنامه‌ریزی فضایی جهت رسیدن به توسعه پایدار گردشگری سطوح پنجگانه با زیرشاخه‌های مختلفی تعریف شد که شاخص‌های متفاوت پایداری در هر یک از سطوح روایت پیچیدگی ماهیت و مفهوم برنامه‌ریزی فضایی گردشگری است. تمثیل هیدرا در برنامه‌ریزی فضایی برای مواجهه با جنبه‌های مختلف برنامه‌ریزی از قبیل سیاست‌ها، استراتژی‌ها، تصمیم‌گیری‌های فضایی، کاربری اراضی، ساختمان، ساختار، چگالی، برنامه‌ریزی سایت، معماری و... مناسب است. در این نوشتار با استفاده از تمثیل هیدرا تلاش شد تا مفهوم چندگانه برنامه‌ریزی فضایی و اهمیت یکسان سطوح متعدد در این مبحث یادآوری شود و دیدگاهی جهت برنامه‌ریزی فضایی مکان‌های گردشگری به منظور تسهیل روند توسعه پایدار گردشگری ترسیم گردد. مفهوم گردشگری پایدار بر موضوع پایدار کردن گردشگری و نه پایدار کردن اجتماع یا محیط زیست که گردشگری در آن قرار دارد، استوار شده است در حالی که این مورد برای محصول گردشگری مورد نیاز است (هانتز، ۱۹۹۷). حداکثری ساختن اثرات مثبت گردشگری و به حداقل رساندن اثرات منفی به شیوه‌ای پایدار برای بخش گردشگری و همچنین پایداری محیط‌زیست و مکان‌های گردشگری مهم‌ترین هدف برنامه‌ریزی فضایی گردشگری است. برنامه‌ریزی فضایی در توسعه پایدار گردشگری نقش محوری

از تمثیل هیدرا به دلیل این‌که رویکردهای مختلف و علوم گوناگون در برنامه‌ریزی فضایی و توسعه پایدار گردشگری نقش دارند استفاده شده است. برنامه‌ریزی فضایی به پنج سطح و سطوح اول تا چهارم هر یک به چهار دسته‌بندی مهم دیگر و سطح پنجم به دو دسته‌بندی با زیرمجموعه‌های شاخص‌های پایداری تقسیم می‌شوند. (شکل شماره ۵) موجودیت هیدرا در افسانه‌های یونانی نگاهبانی از رودخانه است و در این تمثیل برنامه‌ریزی فضایی حافظ و نگاهبان توسعه پایدار گردشگری در نظر گرفته شده است. جهت رسیدن به توسعه پایدار گردشگری نیاز به برنامه‌ریزی فضایی مکان‌های گردشگری احساس می‌شود که در این تمثیل به عنوان بدنه اصلی هیدرا آورده شده است. با قطع هر یک از سرهای هیدرا، بدنه اصلی (برنامه‌ریزی فضایی) نیاز به رویش مجدد را تامین می‌کند و فرآیند موجود در کل ماهیت برنامه‌ریزی فضایی گردشگری، به سرها این اجازه را می‌دهد تا در صورت قطعی رویش مجدد داشته باشند و در مجموع وظیفه نگاهبانی از رودخانه یا همان توسعه پایدار را تامین کنند. به طور مثال در سطح اول «سیاست‌های ملی»، «استراتژی‌ها»، «تصمیم‌گیری‌ها» و «موافقت‌نامه‌های بین‌المللی» مربوط به بخش گردشگری انشعابات اصلی سر اول را تشکیل می‌دهند که با قطع هر یک هیدرا مجبور است سر جدیدی تولید کند تا بتواند به هدف خود که نگاهبانی از رودخانه یا همان توسعه پایدار گردشگری است، دست یابد. واضح است که چندسر بودن هیدرا در برنامه‌ریزی نمایانگر وجود هم‌زمان نظرات مهم است که اهمیت یکسانی دارند و یکی بر دیگری ارجحیت ندارد. در دوران معاصر می‌توان شرایط رهبری دشوار و گوناگون برنامه‌ریزی فضایی برای توسعه پایدار گردشگری را به هیدرا تشبیه کرد چرا که انواع علوم اجتماعی، جغرافیا، علوم ارتباطی، علوم مهندسی، علوم طبیعی و... در برنامه‌ریزی فضایی گردشگری نقش دارند.

شکل شماره ۵- برنامه‌ریزی فضایی گردشگری با تمثیل هیدرا- منبع: محقق



برنامه‌ریزی فضایی به مثابه بدنه اصلی هیدرا تشبیه می‌شود که کانون زندگی هیدرا است و هر یک از سرشاخه‌ها نیز می‌توانند هر یک از سطوح باشند که بسته به نوع برنامه‌ریزی فضایی تا صد سطح قابلیت ارتقاء دارد. با قطع شدن هر یک از سرها بدنه اصلی مجبور به تامین سر جدید است به عبارتی اگر یک سطح از فرآیند برنامه‌ریزی فضایی گردشگری نادیده گرفته شود و یا به اصطلاح قطع گردد بدنه ناگزیر است که سطح دیگری جایگزین نماید و گرنه عملکردش دچار اختلال خواهد شد. به طور طبیعی این تمثیل می‌تواند باعث ایجاد بحث‌های جدید

Management of Tourism in Coastal Areas. Madrid: WTO Press.

References Albrechts, L. (۲۰۰۶). Bridge the gap: From spatial planning to strategic projects. *European Planning Studies*, ۱۵۰۰-۱۴۸۷, (۱۰) ۱۴.

دارد و مشابه بدنه اصلی هیدرا ناگزیر از تامین جانشین برای سرهای قطع شده است و این قابلیت را دارد که بسته به نوع برنامه‌ریزی فضایی (ملی، منطقه‌ای، شهری، روستایی، سایت) سرهای متعدد دیگری نیز برای آن تعریف شود. به نظر می‌رسد هیدرا بهترین نماد برای تکثیر بی پایان است که این تکثیر در برنامه‌ریزی فضایی گردشگری با رویکرد توسعه پایدار یک الزام جدی است.

منابع ماخذ:

زاهدی، شمس السادات (۱۳۹۲). توسعه پایدار، انتشارات سمت، چاپ هفتم، تهران.

رضوانی، محمدرضا، (۱۳۹۰). توسعه گردشگری روستایی (با رویکرد گردشگری پایدار)، انتشارات دانشگاه تهران.

فیروزنیا، قدیر و عبدالرضا رکن الدین افتخاری، سید علی بدری (۱۳۹۰). چشم انداز نظام مدیریت برنامه ریزی توسعه کالبدی مناطق روستایی؛ انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

زاهدی، شمس السادات (۱۳۹۲). مدیریت سبز، انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی، تهران.

رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، مهدوی، داوود (۱۳۹۰). ارزیابی پایداری گردشگری در روستاهای تاریخی - فرهنگی ایران با تاکید بر پارادایم توسعه پایدار گردشگری، فصلنامه مطالعات گردشگری، ۱۴. عبدالرضا رکن الدین افتخاری (۱۳۹۰)، سید علی بدری و حمدالله سجاسی قیداری. بنیان‌های نظریه ای برنامه ریزی کالبدی مناطق روستایی، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

پیتر میسون (۱۳۸۷)، گردشگری، اثرات، برنامه ریزی و مدیریت، ترجمه روزبه میرزایی، انتشارات ترمه، تهران.

شجاعی، منوچهر؛ نوری، نورالدین. (۱۳۸۶). بررسی سیاست‌های دولت در صنعت گردشگری و ارائه الگوی توسعه پایدار صنعت گردشگری کشور، مجله دانش مدیریت، شماره ۷۸.

اجلالی، پرویز. (۱۳۸۸). شناخت نظریه برنامه ریزی و گونه های آن، نشریه علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی)، شماره ۴۴.

رحمانی، محمود. (۱۳۹۱). آمایش سرزمین و توسعه پایدار روستایی با رویکرد گردشگری، فصلنامه جمعیت، ۶۱ و ۶۲.

António Ferreira, Olivier Sykes & Peter Batey: University of Liverpool, UK, Planning Theory or Planning Theories? The Hydra Model and its Implications for Planning Education, *Journal for Education in the Built Environment*, Vol. ۴, Issue ۲, December ۲۰۰۹ pp. ۲۶) ۵۴-۲۹).

Okan Murat Dede / Asım Mustafa Ayten. (۲۰۱۲). The role of spatial planning for sustainable tourism, development: A theoretical model for Turkey, *The Journal of Tourism Studies*, No. ۴

Sustainable local development, Farnham, Burlington, VT: Ash gate.

Dredge, D. & Moore, S. (۱۹۹۲). A Methodolgy for the Integration of Tourism in Town Planning. *The Journal of Tourism Studies*.

Government of Republic of Turkey. (۲۰۰۸). Regulation Numbered ۲۷۰۵۱. Retrieved August, ۲۰۰۹, from <http://rega.basbakanlik.gov.tr/eskiler/۷-۲۰۰۸۱۱۱۱/۱۱/۲۰۰۸.htm>

Yunis, E. (۲۰۰۱). Sustainable Development and